

## بررسی توزیع درآمد خانوارهای روستایی شهرستان ابهر و عوامل مؤثر بر آن

### An Investigation of the Distribution of Rural Households' Income in Abhar County and Factors Affecting

سمیرا محمودی<sup>۱</sup>، سمیه جنگ چی کاشانی<sup>۲</sup>، مجید یاسوری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۳

#### چکیده

فقر و نابرابری درآمد دو عامل مهم نگران کننده در راه رسیدن به توسعه در کشورهای در حال توسعه است. در این راستا با عنایت به اهمیت بخش کشاورزی و روستایی در اقتصاد کشور و با توجه به اینکه قسمت عمده‌ای از جمعیت ایران در مناطق روستایی زندگی می کنند، پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شاغل در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن در روستاهای شهرستان ابهر می پردازد. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از داده‌های آماری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی شهرستان ابهر در سال ۱۳۹۲ بدست آمده است. یافته‌های تحقیق نشان می دهد، ضریب جینی افراد شاغل در بخش کشاورزی برابر با ۰/۵۵ و شاغلین غیرکشاورزی ۰/۵۶ بوده است. همچنین ۳ دهک بالای جامعه روستایی شهرستان ابهر، ۷۳/۴ درصد از هزینه‌ی کل و سه دهک فقیر ۳/۵ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق مؤید این است که خانوارهای با سرپرست مسن تر از سطح درآمد کمتری برخوردار بوده و خانوارهای با سرپرست مرد، بیشترین هزینه را داشته‌اند. نتایج، حکایت از درآمد بالای خانوارهای با سرپرست با سطح تحصیلات بالاتر دارد. همچنین بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای با وضعیت شغلی مختلف، تفاوت معنی داری وجود ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** توزیع درآمد، خانوار کشاورز و غیرکشاورز، مناطق روستایی، شهرستان ابهر

#### مقدمه و بررسی منابع

فقر و نابرابری درآمد دو عامل مهم نگران کننده در راه رسیدن به توسعه در کشورهای در حال توسعه است. افزایش نابرابری درآمد، اهداف رشد اقتصادی و کاهش فقر را مورد تهدید قرار می دهد (Olaniyan and Awoyemi, 2005). وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد در سطح جهانی منجر به بروز فقر و افزایش دامنه آن گشته است چرا که با فرض هر سطحی از رشد اقتصادی، نابرابری بالا در توزیع درآمد باعث ایجاد شکاف

<sup>۱</sup> دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، "نویسنده مسؤول" Samir.mahmoodi65@gmail.com

<sup>۲</sup> دکتری اقتصاد کشاورزی

<sup>۳</sup> دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گیلان

بیشتر و گسترش فقر می‌شود. این عامل می‌تواند به آن دلیل باشد که سهم اندکی از منابع به دست آمده به اقشار محروم و طبقات پایین درآمدی می‌رسد؛ بعلاوه سطوح بالای نابرابری در توزیع درآمد، توالی رشد اقتصادی و به تبع آن، فرآیند کاهش نابرابری توزیع درآمد را کند می‌کند. تأثیر منفی نابرابری در توزیع درآمد بر رشد اقتصادی را می‌توان از جنبه‌های مختلف ارزیابی نمود، بعنوان مثال، دسترسی به منابع اقتصادی و درآمدی در نزد گروه‌های ثروتمند و غنی جامعه متمرکز شده و این مانع از دسترسی سایر گروه‌ها به این منابع و انجام سرمایه‌گذاری توسط آنها می‌شود. نابرابری بالا در توزیع درآمد، مزایای حاصل از رشد اقتصادی را تنها به گروه‌های ثروتمند جامعه تخصیص داده و مانع از دسترسی افراد فقیر به مزایای حاصل از رشد اقتصادی می‌شود (Deputy of strategic planning and monitoring of president, 2008). در این راستا، اجلاس هزاره سازمان ملل متحد با حمایت تقریباً همه رهبران جهان اعلام کرده است، بروز فقر درآمدی در کشورهای در حال توسعه از ۳۰ درصد به ۱۵ درصد بین سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۱۵ کاهش یابد (Olaniyan and Awoyemi, 2005). در این بین، یکی از اهداف اساسی توسعه روستایی، کاهش و از بین بردن فقر در مناطق روستایی است. در بیشتر طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی، منافع حاصل از آنها کمتر عاید فقیران روستایی شده و حتی در بیشتر طرح‌ها، ثروتمندان سود بیشتری از اجرای آنها برده‌اند. از این رو، شناخت سطح درآمد و نحوه توزیع آن در این گروه از کشورها، برای شناخت شدت فقر ضروری است. از سوی دیگر، چون بیشتر مستمندان در کشورهای جهان سوم ساکن روستا هستند و اغلب به کشاورزی می‌پردازند، شناخت توزیع درآمد در میان کشاورزان ساکن در روستاها می‌تواند کمک شایانی به شناخت میزان فقر در آن جامعه کند (Toude Rousta and Mirmohamad Sadeghi, 2003). در شرایط کنونی با عنایت به سیاست‌های دولت ایران در زمینه افزایش جمعیت و توسعه فعالیت‌های اقتصادی، ضروری است تا شیوه‌های تخصیص منابع که منجر به کاهش نابرابری درآمدها می‌شود شناسایی شوند و نحوه تخصیص منابع بین بخش‌های اقتصادی به منظور کاهش نابرابری درآمدها اصلاح گردند. بدیهی است، توجه به این مسئله می‌تواند در نحوه نگرش به سیاست‌گذاری اقتصادی تأثیر قابل توجهی داشته باشد. در این راستا با توجه به اهمیت بخش کشاورزی و روستایی در اقتصاد کشور و با ملاحظه‌ای این مسئله که قسمت عمده‌ای از جمعیت ایران در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، لازم است تا جهت کاهش فقر در مناطق روستایی و بهبود توزیع درآمد اقدامات اساسی صورت گیرد، زیرا بزرگترین عامل ایجادکننده فقر در مناطق روستایی نه کمبود درآمد، بلکه توزیع ناعادلانه درآمد می‌باشد. لذا به دلایل ذکر شده، ارزیابی نابرابری توزیع درآمد در جامعه و کمی نمودن آن و شناسایی عوامل و ریشه‌های افزایش دهنده و راهکارهای کاهش آن، موضوعی است که بایستی مرکز توجه اقتصاددانان و برنامه‌های اقتصادی قرار گیرد و به مسائل عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی پایدار توجه گردد. لذا پژوهش حاضر در راستای کمک به حل این مسئله، به بررسی وضعیت توزیع درآمد در روستاهای شهرستان ابهر خواهد پرداخت، تا ضمن بررسی وضعیت درآمدی روستاییان این شهرستان به مقایسه توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شاغل در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی پرداخته و در جهت شناسایی عوامل تأثیرگذار بر توزیع درآمد در این منطقه همت گمارد.

با شروع صنعتی شدن به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، پدیده فقر همواره به نحوی از انحاء افکار جوامع

بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه را بیشتر به خود مشغول کرده است. این جوامع با توجه به سطح قرارگیری در مدار توسعه، به حل این معضل پرداخته و با اتخاذ راهبردهایی چون رشد اقتصادی، رشد توأم با توزیع و ... درصدد بهبود شرایط زندگی مردم کشورشان برآمدند اما در بسیاری موارد، خصوصاً در کشورهای جهان سوم به دلایل مختلف، گروه کثیری از مردم از اثرات توزیعی راهبردهای رشد برخوردار نشدند و این امر منجر به بروز شکاف‌های اقتصادی، اجتماعی و گسترش پدیده فقر گردید. در دهه ۱۹۸۰ وضعیت فقرا همچنان بدتر شد، به گونه‌ای که بانک جهانی، این دهه را دهه‌ی فراموش شدن فقرا نامید. دهه ۱۹۹۰ چاره‌ای نبود جز تغییر راهبردهای توسعه، از راهبردهای رشد به راهبردهای فقرزدایی، لذا این دهه، دهه جنگ با فقر نامیده شد (Johansen, 1993). نظریات مختلفی در این دوران در ارتباط با چگونگی همسویی رشد اقتصادی و توزیع درآمد در جهت بهره‌مندی تمام اقشار اجتماع از مواهب رشد مطرح گردید که هر یک ضمن ستایش نقش عدالت توزیعی در جامعه، به بررسی تقدم و تأخر آنها پرداخته و سعی در تبیین الگویی برای نشان دادن رابطه این دو با یکدیگر داشتند.

در مناطق روستایی که دارای اقتصاد ناپایدار هستند، فقر گسترده است. در مقایسه با گذشته، رویکردهای فعلی توسعه روستایی دیدگاه جامع‌تری را به تصویب رسانده است که بر مبنای آن شناخت موهبت‌های متنوع مناطق روستایی بویژه منابع درآمد خانوارهای روستایی مورد تأکید است (OECD, 2006; World Bank, 2007; Mollers and Buchenrieder, 2011). گفتنی است، در بررسی توزیع درآمد تئوری‌های متعددی شکل گرفته است. براساس ترتیب تاریخی و ارتباط بین نظریات، ساهوتا (Sahota, 1987) نظریات توزیع درآمد را به نظریه توانایی، نظریه تصادفی، نظریه انتخاب فردی، نظریه سرمایه انسانی، نظریات مبتنی بر نابرابری تحصیلات، نظریات مبتنی بر ارث، نظریات ادوار زندگی، نظریات بازتوزیع درآمد عمومی، نظریات تکامل یافته و نظریات عدالت توزیعی تقسیم نموده است. همچنین بررسی اثر رشد و توسعه بر نابرابری با پژوهش کوزنتس (Kuznets, 1955) آغاز شده است. کوزنتس رشد مدرن اقتصادی را به صورت افزایش مداوم درآمد سرانه یا تولید سرانه کارگر که غالباً با افزایش در جمعیت و تغییرات ساختاری گسترده همراه است، تعریف کرده است. براساس نظر وی، دو عامل در افزایش نابرابری تا سطح معینی از توسعه اقتصادی مؤثر می‌باشد: یکی تمرکز پس‌انداز در دست بالاترین گروه‌های درآمدی و دیگری ساختار اشتغال بصورت فرآیند صنعتی شدن و شهرنشینی (Abou Nouri and Abbasi Ghaderi, 2007).

همچنین لوئیس، در مدل دو بخشی خود مشتمل بر یک بخش معیشتی روستایی که دارای نیروی کار مازاد با تولید نهایی صفر و یک بخش صنعتی شهری نوین که در آنجا نیروی کار دارای تولید نهایی بالا است، استدلال می‌کند که با انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش مدرن، بخش نوین با سرعت بیشتری از بخش سنتی رشد می‌کند و سهم نسبی سود درآمد ملی افزایش خواهد یافت. این مسأله سبب نابرابرتر شدن توزیع درآمدها خواهد شد. در بلندمدت زمانی که فرصت‌های ایجاد اشتغال افزایش یافت و بخش سنتی نیز توسعه یافت، توزیع درآمد به طور خودکار تثبیت شده و نیز عادلانه‌تر خواهد شد (Gharebaghian, 1996). از سوی دیگر، مطالعات انجام شده توسط De Janvry و همکارانش و همچنین Kinsley نشان می‌دهد که تنوع درآمد نه تنها رابطه مثبتی با ثروت و

دارایی دارد، بلکه توانایی برای رویارویی با شوک‌ها را افزایش داده و بعبارت دیگر، تنوع آسیب‌پذیری معیشت را کاهش می‌دهد (Schwarze & Zeller, 2005).

علی‌رغم این تفکر، بارت و همکاران (Barret et al., 2001)، نشان داده‌اند که خانوارهای روستایی درآمدشان را عمدتاً با اتکا به دارایی‌های سرمایه طبیعی، انسانی و فیزیکی در میان دیگر فعالیت‌های درآمدزا بدست می‌آورند (Ndambiri et al., 2012). چنانکه در مطالعات آمده است، بیش از دو سوم خانوارهای بدون زمین، منبع اصلی درآمدشان از بخش غیرکشاورزی تأمین می‌شود (Vatta et al., 2008). چنانکه مطالعات دیگر نیز مؤید این مطلب بوده و نشان داده‌اند که در کشورهای در حال توسعه، تجزیه و تحلیل دقیق از منابع درآمد مناطق روستایی، اهمیت فوق‌العاده‌ی اشتغال در فعالیت‌های غیرکشاورزی را در افزایش درآمد نشان داده است (Reardon et al., 2007; Mollers and Buchenrieder, 2011). بعبارت دیگر، یک ارتباط قوی بین سهم درآمد غیرکشاورزی و مجموع درآمد خانوار وجود دارد. خانوارهای فقیر در مقایسه با خانواده‌های مرفه‌تر، تمایل کمتری به انجام فعالیت‌های غیرکشاورزی دارند. در این راستا گفتنی است، تنوع بخشیدن به فعالیت‌ها ارتباط بسیاری با انواع مختلف دارایی‌ها مانند سرمایه اجتماعی، انسانی و فیزیکی دارد (Schwarze & Zeller, 2005).

اگر کشورهای در حال توسعه در دوران صنعتی شدن بیشتر از پروژه‌های سرمایه و تکنولوژی‌بر استفاده می‌کنند که احتیاج به نیروی کار کمتری دارد، در نتیجه میزان بیکاری شهری افزوده می‌شود و بیشتر نیروی کار مهاجر روستایی، جذب فعالیت‌های ساختمانی که نیاز به تخصص و مهارت ندارند، می‌شوند. در این حال به علت پایین بودن سطح دستمزدها بین کارگران ساختمانی نسبت به کارگران صنعتی، اختلاف درآمد بین کارگران در مناطق شهری نیز شدت خواهد یافت (Gharebaghian, 1996; Ahmadi, 2003). علاوه بر این، وضعیت تولید درآمد در هر جامعه‌ای، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، در ابعاد سیاسی و اجتماعی نیز حائز اهمیت است و هر رویکرد اقتصادی به توزیع درآمد، ناگزیر پی‌آمدهای سیاسی و اجتماعی نیز خواهد داشت (Ahmadi, 2003).

نگاهی گذرا به تاریخچه توسعه روستایی نشان می‌دهد که طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، توسعه کشاورزی به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفت، در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در طول دهه ۱۹۷۰ شاهد تأکید بیشتر بر افزایش بازدهی کشاورزی بودیم، ولی تجربه نشان داد که با وجود افزایش کل تولیدات کشاورزی، نابرابری‌ها به دلیل توزیع نامناسب این افزایش تولید، تشدید شده است (Barati, 2006). در سال‌های اخیر و بعد از عنوان شدن طرح کاهش فقر در جهان، چگونگی توزیع درآمد بیشتر از قبل مورد توجه قرار گرفت، زیرا در دنیای امروز بزرگترین عامل ایجادکننده فقر، نه کمبود درآمد بلکه توزیع ناعادلانه آن است و طبق موازین علمی تقسیم درآمد در یک کشور باید به نحوی باشد که سهم بیشتری از مردم در طبقه متوسط جای بگیرند. در یک جامعه متعادل شمار ثروتمندان و فقیران کشور بسیار کم است زیرا وجود گروه‌های بسیار پردرآمد یا بسیار کم درآمد نشان دهنده‌ی توزیع نامتناسب ثروت در آن منطقه است. برای محاسبه‌ی میزان عدالت در توزیع درآمد از سهم درآمدی که هر یک از گروه‌های جامعه به دست می‌آورند، استفاده می‌شود، اگر فاصله بین درآمدی که ده درصد پایین‌ترین گروه جامعه به دست می‌آورد با درآمد ده درصد از ثروتمندترین افراد، تفاوت زیادی داشته باشد، نشان دهنده‌ی توزیع ناعادلانه درآمد در یک سرزمین است (Deputy of

(strategic planning and monitoring of president, 2008). در این زمینه، (Quah, 1997) ادعا می‌کند، نابرابری مالکیت زمین بطور گسترده‌ای برای توضیح سطح بالایی از نابرابری درآمد در اقتصادهای در حال توسعه کشاورزی تحت سلطه در نظر گرفته می‌شود. اما مسئله اصلی در اینجا این است که آیا نابرابری مالکیت زمین می‌تواند به توضیح روندهای اخیر افزایش گسترده در نابرابری درآمد کمک کند؟ برای بسیاری از کشورها، وجود یک ارتباط مستقیم بعید است؛ اما با این حال، بطور غیرمستقیم نابرابری زمین ممکن است بیانگر افزایش در نابرابری درآمد با فشار حداقل دستمزد در بخش روستایی باشد (Ndambiri et al., 2012). از سوی دیگر، الگوهای رشد، تغییر در توزیع درآمدها و فرصت‌ها و میزان کاهش فقر، بازتاب مجموعه‌ای از تعامل سیاست‌ها و نهادها است و امروزه درک عوامل مؤثر در رشد نابرابر و سازوکارهای اختصاص منافع رشد به افراد فقیر برای تنظیم راهبردهای کاهش فقر یک ضرورت است.

برابر مطالعه، عوامل مؤثر بر پراکندگی توزیع درآمد (ضریب جینی) را در موارد زیر می‌توان ردیابی نمود:

- *فقدان سرپرست خانوار*: خانوارهای با سرپرست زن، چون تحرک اقتصادی کمتری دارند، ارتقای توزیع درآمد در آنها کمتر و فقر بیشتر است.

- *سطح تحصیلی اعضای خانوار*: درجات مختلف تحصیلی اعضای خانوار بر توزیع درآمد تاثیر می‌گذارد (هرچه سطح سواد خانوار بیشتر باشد، تحرک اقتصادی خانوار بیشتر و از درآمد بالاتری برخوردار خواهند بود) به طوری که ضریب خط فقر در خانواده‌هایی که سرپرست آنها تحصیلات عالی دارند، حدود ۲۵ درصد کاهش می‌یابد.

- *تمرکزگرایی*: توزیع نابرابر امکانات دولتی و ملی در شهرهای بزرگ سبب ایجاد نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور می‌شود. به عنوان مثال، سکونت در روستاهای استان‌های شرقی، ۲۵ درصد ضریب ریسک فقر را افزایش می‌دهد.

- *بیکاری*: بیکاری در شهر ۸ درصد و در روستا ۱۱ درصد، ریسک فقیر شدن را افزایش می‌دهد.

- *تحرک اقتصادی خانوار*: با میزان اشتغال اعضای خانوار رابطه مستقیمی دارد (چه تعدادی از اعضای خانواده شاغل هستند).

وجه تمایز این مطالعه با سایر مطالعات این است که این تحقیق به بررسی وضعیت هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی، مقایسه وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی با تأکید بر ویژگی‌های روستاییان شامل سن سرپرست خانوارها، جنس سرپرست خانوارها، سطح تحصیلات و نوع شغل پرداخته است.

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. در این مطالعه برای سنجش توزیع درآمد، از منحنی لورنز، ضریب جینی، نسبت سهم گروه‌های پردرآمد به سهم گروه‌های کم درآمد و مقایسه‌ی دهک‌ها و پنجک‌ها و همچنین به منظور بررسی عوامل مؤثر بر توزیع درآمد همچون سن سرپرست خانوارها، جنس، سطح تحصیلات و نوع شغل، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

## جدول ۱- پیشینه مطالعاتی تحقیق

Table 1- Literature Review

ردیف Row	پژوهشگران Researchers	سال Year	هدف Goal	یافته‌ها Outcomes
۱	Ndambiri, et al	2012	تحلیل توزیع درآمد و معیشت خانوارهای کشاورز و باغدار	درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرکشاورزی بالاترین ضریب جینی را نشان داد. همچنین توزیع درآمد در بین خانوارهای غیرکشاورز از وضعیت مطلوب‌تری نسبت به خانوارهای کشاورز برخوردار بوده است.
۲	Möllers & Buchenrieder	2011	اثرات اشتغال در بخشهای غیرکشاورزی بر رفاه و توزیع درآمد کشاورزان مناطق روستایی	نتایج نشان داد اشتغال در بخش‌های غیرکشاورزی در توزیع درآمد روستاییان از طریق پایداری زندگی کشاورزان فقیرتر و خرده کشاورزان و همچنین حصول منابع درآمدی بیشتر برای کشاورزان متوسط می‌شود.
۳	Abou Nouri & Abbasi Ghaderi	2007	برآورد اثر تورم و بیکاری بر توزیع درآمد	تورم باعث افزایش سهم چهار بیستک اول درآمدی و کاهش سهم بیستک پنجم شده است. بیکاری باعث کاهش سهم دو بیستک اول درآمدی و افزایش سهم درآمدی شصت درصد بالا شده است.
۴	Barati	2006	بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی کشاورز و غیرکشاورز	میزان نابرابری در توزیع درآمد بین خانوارهایی که تنها به کشاورزی اشتغال داشته‌اند، بیشتر از خانوارهایی بوده که تنها به فعالیت غیرکشاورزی اشتغال داشته‌اند.
۵	Mahdavi Adeli & Ranjbaraki	2005	بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۰	بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شده است. این وضعیت در بین خانوارهای واقع در سطوح پایین درآمدی بهتر از سطوح بالای درآمدی بوده است.
۶	Toude Rousta & Mirmohamad Sadeghi	2003	بررسی وضعیت توزیع درآمد کشاورزان در دو ناحیه ی دشت و کوه	میزان نابرابری درآمد در ناحیه ی کوه بیشتر از ناحیه ی دشت بوده است نابرابری در توزیع درآمد کل در نواحی دشت و کوه بیشتر از منابع کشاورزی نشأت می‌گرفته و درآمدهای غیرکشاورزی در این نابرابری نقش کمتری داشته‌اند.
۷	Galli & Hoeven	2001	اثر سیاست پولی و تورم بر نابرابری اقتصادی در کشورهای در حال توسعه	اجرای سیاست‌های پولی انقباضی در کشورهایی که تورم بالا دارند، در کاهش نابرابری مؤثر واقع شده است.
۸	Canagarajah & Bhattamishra	2001	مقایسه توزیع درآمد در بین خانوارهای با فعالیت‌های زراعی و غیرزراعی	درآمدهای حاصل از فعالیت‌های غیرزراعی نسبت به زراعی موجب بهبود وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای روستایی شده است.
۹	Jahangard & Mahboub	2000	تأثیر توزیع مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران	تولید مجدد درآمد به نفع گروه‌های درآمدی پایین بر تولید بخش خدمات خواهد داشت. میان توزیع عادلانه‌تر درآمدها و رشد اقتصادی تضادی مشاهده نمی‌شود.
۱۰	Kakwani & Pernia	2000	رشد فقرزدا و نابرابری درآمدی	تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه کشور در بین سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ و ۱۹۹۸-۱۹۹۷ دارای رشد سالانه ۴/۶ درصد بوده است. در طی این دوره‌ها افزایش در نابرابری، موجب کاهش تغییر سالانه شاخص فقر به اندازه ۳/۱ درصد شده است.

آمار و اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش در دو بخش کتابخانه‌ای یا اسنادی و میدانی (داده‌های طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی شهرستان ابهر در سال ۱۳۹۲؛ مرکز آمار ایران) به دست آمده است. در این تحقیق پس از جمع‌آوری و استخراج داده‌های مورد نظر، جهت انجام محاسبات آماری از نرم‌افزار آماری SPSS و Excel استفاده شده است. بر این اساس سؤالات پژوهش عبارتند از:

- ۱- وضعیت هزینه ناخالص سالانه خانوارهای روستایی شهرستان ابهر چگونه است؟
- ۲- وضعیت توزیع درآمد در بین شاغلین دو بخش کشاورزی و غیرکشاورزی چه تفاوتی با یکدیگر دارد؟
- ۳- آیا ویژگی‌های روستاییان شامل سن سرپرست خانوارها، جنس سرپرست خانوارها، سطح تحصیلات و نوع شغل تأثیر معنی‌داری بر توزیع درآمد در بین روستاییان شهرستان ابهر دارد؟

### نتایج و بحث

سن: براساس یافته‌های تحقیق مندرج در اطلاعات جدول ۲، میانگین سن افراد مورد مطالعه تقریباً ۴۹/۸ سال بوده که جوان‌ترین آن‌ها ۲۲ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۸۰ سال سن داشته است. بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و کمترین آن مربوط به گروه سنی ۵۱-۶۰ سال می‌باشد.

جنس: نتایج توزیع فراوانی مربوط به جنسیت سرپرست خانوارها نشان می‌دهد که ۸۷/۲ درصد (۶۸ نفر) سرپرستان خانوارها مرد و ۱۰ نفر (۱۲/۸ درصد) آن‌ها زن می‌باشند.

وضعیت تأهل: همچنین نتایج توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس وضعیت تأهل نشان می‌دهد که ۸۰/۸ درصد (۶۳ نفر) دارای همسر بوده‌اند، ۱۵/۴ درصد (۱۲ نفر) همسرشان فوت نموده، ۲/۶ درصد (۲ نفر) از همسرشان جدا شده‌اند و ۱/۳ درصد (۱ نفر) هرگز ازدواج نکرده‌اند.

میزان تحصیلات: براساس نتایج جدول ۲ می‌توان گفت، ۲۸/۲ درصد سرپرست خانوارهای روستایی شهرستان ابهر بی‌سواد بوده‌اند، ۲۴/۳ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۶/۷ درصد سیکل، ۱۹/۲ درصد دارای مدرک دیپلم و ۱۱/۶ درصد نیز دارای مدرک تحصیلی دانشگاهی بوده‌اند.

وضعیت شغلی: از سوی دیگر داده‌های مرتبط با وضعیت اشتغال حاکی از آن است که ۷۳/۱ درصد سرپرست خانوارها شاغل بوده‌اند، ۲۰/۵ درصد بیکار، ۱/۳ درصد خانه‌دار و ۴ نفر نیز مشاغل دیگری داشته‌اند.

نوع شغل: بر این اساس، یافته‌های حاصل از توزیع فراوانی سرپرست خانوارها بر اساس نوع شغل نشان می‌دهد که شغل ۲۹/۵ درصد (۲۳ نفر) کشاورزی بوده که در بین کشاورزان نیز ۱۷ نفر زارع، ۴ نفر دامدار و ۲ نفر باغدار بوده‌اند. ۷۰/۵ درصد (۵۵ نفر) غیرکشاورز بوده‌اند و از بین آنها نیز ۳ نفر کارمند، ۱۰ نفر خوداشتغال، ۱۶ نفر بیکار، ۱ نفر خانه‌دار و ۴ نفر مشاغل دیگری داشته‌اند.

جدول ۲- ویژگی‌های توصیفی خانوارهای روستایی شهرستان ابهر

Table 2- Descriptive characteristics of rural households Abhar county

شرح Description	طبقه بندی Classify	فراوانی Abundance	درصد Percent	
جنسیت Sex	Man مرد	68	82.2	
	Woman زن	10	12.8	
	Total جمع	78	100	
سن age	20-30	12	15.4	
	31-40	19	24.4	
	41-50	12	15.4	
	51-60	9	11.5	
	61-70	12	15.4	
	71-80	14	17.9	
	Total جمع	78	100	
وضعیت تأهل Marital status	Married متأهل	63	80.8	
	Spouse زوجه	12	15.4	
	Divorced مطلقه	2	2.6	
	Never married غیر متأهل	1	1.3	
	Total جمع	78	100	
تحصیلات Education	Illiterate بی سواد	22	28.2	
	Elementary ابتدایی	19	24.3	
	Third grade of Secondary school سیکل	13	16.7	
	Diploma دیپلم	15	19.2	
	Associate and higher degrees بالاتر دیپلم و بالاتر	9	11.6	
	Total جمع	78	100	
وضعیت شغلی Job status	Employed شاغل	57	73.1	
	Unemployed بیکار	16	5.1	
	Housewife خانه دار	1	2.6	
	Other jobs سایر مشاغل	4	3.8	
	Total جمع	78	100	
نوع شغل Job Type	Farmer کشاورز	Cultivation زارع	17	21.8
		Live stock دامدار	4	5.1
		Orchardman باغدار	2	2.6
	Employee کارمند		3	3.8
		Self-employed خود اشتغال	10	12.8
	Nonfarm غیر کشاورز	Worker کارگر	21	26.9
		Unemployed بیکار	16	20.5
	Housewife خانه دار		1	1.3
	Other jobs مشاغل دیگر		4	5.1
	Total جمع		78	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق



## فرضیه اول

میانگین هزینه ناخالص سالانه در بین خانوارهای کشاورز شهرستان ابهر بیشتر از خانوارهای غیرکشاورز است. نتایج بررسی هزینه ناخالص سالانه خانوارهای کشاورز و غیرکشاورز در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که میانگین هزینه سالانه خانوارهای کشاورز در طی دوره آماری مورد بررسی ۸۰۹۷۲۸۱۹ ریال بوده و حداقل و حداکثر هزینه این گروه از افراد به ترتیب برابر با ۹۵۳۹۵۲۶ و ۴۱۴۱۰۱۴۷۶ می‌باشد. همچنین میانگین هزینه سالانه خانوارهای غیرکشاورز ۶۰۷۷۴۱۴۷ ریال و حداقل و حداکثر هزینه این گروه از افراد به ترتیب برابر با ۱۴۱۸۸۸۸ و ۳۸۱۶۳۶۱۹۰ بوده است. بدین ترتیب مشخص می‌شود میانگین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای کشاورز (زارع، باغدار، دامدار) در سال ۱۳۹۲ بیشتر از خانوارهای غیرکشاورز (خوداشتغال، کارمند، کارگر، بیکار) بوده است.

### جدول ۳- میانگین هزینه ناخالص داخلی سالانه خانوارهای کشاورز و غیر کشاورز

Table 3- The average cost of annual GDP farmer and non-farm households

شغل Job	میانگین Mean	انحراف معیار Standard deviation	حداقل Minimum	حداکثر Maximum
کشاورز (زارع، دامدار، باغدار) Farmer (Tiller, Orchardman, Livestock)	80972819	70344276.6	9539526	414101476
غیر کشاورز (خود اشتغال، کارمند، کارگر، بیکار) Non-farmer (Self-employed, Employee, worker, Unemployed)	60774147	98191602.1	1418888	381636190
جمع Total	60774147	77337016.4	1418888	414101476

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

## فرضیه دوم

وضعیت درآمد شاغلین فعال در بخش کشاورزی با درآمد شاغلین فعال در بخش غیرکشاورزی شهرستان ابهر تفاوت معناداری نشان می‌دهد.

### منحنی لورنز، ضرایب جینی و نسبت سهم دهک‌های مختلف

اگر در یک دستگاه مختصات روی محور طول‌ها "درصد تجمعی جمعیت" و روی محور عرض‌ها "درصد تجمعی درآمد" مشخص شده، سپس نقاط با طول و عرض‌های مختلف نمونه یا جمعیت موردنظر به هم وصل شوند، منحنی لورنز به دست می‌آید، به عبارتی منحنی لورنز مکان هندسی نقاطی است که مختصات آنها درصد‌های تجمعی جمعیت و درآمد است. هر چه توزیع درآمد در جامعه نابرابرتر باشد، منحنی لورنز از قطر فاصله‌ی بیشتری خواهد گرفت، به این ترتیب با مشاهده‌ی منحنی لورنز رسم شده برای یک جامعه می‌توان تصویری تقریبی از چگونگی توزیع درآمد را در آن جامعه مجسم کرد. بدین ترتیب برای به دست آوردن منحنی لورنز، ابتدا درصد‌های تجمعی جمعیت و درآمد برای هر دو گروه شغلی محاسبه گردید. نتایج این آزمون در جدول ۴ قابل ملاحظه است.

## جدول ۴- درصد جمعیت و هزینه ناخالص سالانه گروه‌های شغلی مجزا

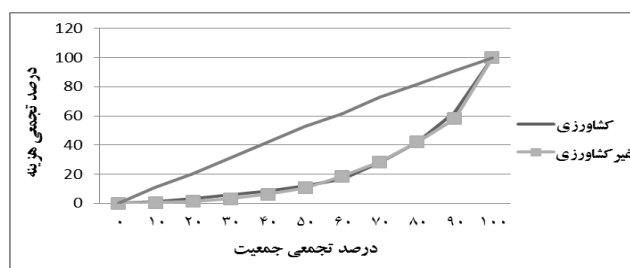
Table 4- Percent of the total population and gross annual cost to the separation of occupational groups

شاغل در بخش غیر کشاورزی Employed in non-agricultural sector		شاغل در بخش کشاورزی Employed in agriculture	
درصد تجمعی درآمد Cumulative percentage of income	درصد تجمعی جمعیت Cumulative percentage of population	درصد تجمعی درآمد Cumulative percentage of income	درصد تجمعی جمعیت Cumulative percentage of population
42.05	10.9	37.23	9.52
58.04	20	57.97	19.04
71.70	30.9	72.26	29.57
81.54	41.81	83.58	41.85
89.32	52.72	88.14	51.38
93.82	61.81	91.53	61.90
96.97	72.72	94.34	71.42
98.63	81.81	96.82	80.95
99.59	90.90	98.66	90.47
100	100	100	100

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان طور که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، منحنی لورنز مربوط به کشاورزان نسبت به غیرکشاورزان تفاوت چندانی نداشته و فقط منحنی لورنز کشاورزان اندکی به خط برابری کامل درآمد نزدیک‌تر است که این بیانگر این است که توزیع درآمد در بخش کشاورزی اندکی متعادل‌تر می‌باشد.



نمودار ۱- منحنی لورنز مربوط به شاغلین کشاورزی و غیرکشاورزی

Figure 1- The Curve related to farm and non-farm jobs

روش دیگر سنجش توزیع درآمد، روش جبری است که جینی، آماردان ایتالیایی آن را ابداع کرده است، در این روش مساحت بین منحنی لورنز و قطر مربع را بر مساحت نصف مربع تقسیم می‌کنند؛ به این ترتیب مقدار ضریب جینی بین صفر و یک خواهد بود. بعد از مرتب کردن صعودی درآمد خانوارها، داده‌ها به گروه‌های مساوی تقسیم شده، سپس تعیین می‌شود که هر یک از گروه‌های مورد نظر چه درصدی از درآمد جامعه را به خود اختصاص داده‌اند. ضریب جینی با داده‌های گروه‌بندی شده از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$G = 1 - \frac{1}{N} \sum_{i=1}^{N-1} (y_{i+1} + y_i)$$

(G: ضریب جینی؛  $Y_i$ : درصد تجمعی درآمد خانوارها؛ N: تعداد گروه‌های درآمدی)

با توجه به رابطه فوق، ضریب جینی عددی بین ۰ و ۱ اختیار می‌کند که صفر به معنای برابری کامل و ضریب جینی ۱ نیز به معنای نابرابری کامل خواهد بود. به عبارت دیگر هر چه ضریب جینی به عدد ۱ نزدیک‌تر باشد به

معنای آن است که توزیع درآمد در آن اقتصاد نابرابرتر است.

با این توضیح، نتایج بررسی ضریب جینی دو گروه شغلی حاکی از این است که ضریب جینی افراد شاغل در بخش کشاورزی برابر با ۰/۵۵ بوده و در مقابل ضریب جینی شاغلین غیر کشاورزی ۰/۵۶ بوده است.

#### جدول ۵- ضریب جینی دو گروه شغلی مجزا

Table 5- Gini coefficients in the separation of occupational groups

گروه های شغلی Occupational groups	ضریب جینی Gini coefficient
شاغل در بخش کشاورزی Employed in agriculture	0.55
شاغل در بخش غیر کشاورزی Employed in non-agricultural sector	0.56

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نسبت سهم هزینه‌های گروه‌های پردرآمد و کم درآمد خانوارهای روستایی شهرستان ابهر

یکی از معیارهای متداول در بررسی وضعیت توزیع درآمد، محاسبه‌ی نسبت سهم هزینه‌ای گروه‌های پردرآمد و کم درآمد است. مهم‌ترین حالت‌ها در این معیار، محاسبه‌ی سهم ۲۰ درصد خانوارهای پردرآمد به سهم ۴۰ درصد خانوارهای کم درآمد و نیز نسبت سهم ۱۰ درصد خانوارهای پردرآمد به ۱۰ درصد خانوارهای کم درآمد است، البته این نسبت را بنابر سلیقه می‌توان تغییر داد، ولی استفاده از این دو نسبت رایج‌تر از دیگر نسبت‌هاست. بدیهی است که هر چقدر میزان این نسبت‌ها بزرگتر باشد میزان نابرابری هم بیشتر است. در پژوهش حاضر، ابتدا سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارها، سهم ۴۰ درصد خانوارهای متوسط و سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین خانوارها محاسبه گردید و سپس نسبت سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارها به سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین خانوارها و نسبت سهم ۱۰ درصد پردرآمدترین خانوارها به سهم ۱۰ درصد کم درآمدترین خانوارها محاسبه شد.

#### جدول ۶- سهم دهک‌های خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه

Table 6- Deciles proportion of rural households in the study area

شرح Description	کشاورز Farmer	غیر کشاورز Non-farm	تمامی روستائیان The whole villagers
سهم ۴۰٪ کم درآمدترین خانوارها Share 40% lowest income households	8.5	6.2	6.7
سهم ۴۰٪ خانوارهای با درآمد متوسط 40% of middle-income households	33.6	35.8	32.9
سهم ۲۰٪ پردرآمدترین خانوارها 20% profitable share of households	57.9	58.1	40.4
سهم ۲۰٪ پردرآمدترین خانوارها به سهم ۴۰٪ کم درآمدترین خانوارها proportion in 20% profitable to the share of 40% lowest income households	6.8	9.4	9.1
سهم ۱۰٪ پردرآمدترین خانوارها به ۱۰٪ کم درآمدترین خانوارها proportion in 10% of profitable households to the share of 10% lowest income households	27.9	74.4	77.3

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج بررسی سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارها نشان می‌دهد که این گروه، در بین کشاورزان ۵۷/۹ درصد

هزینه، در بین غیر کشاورزان ۵۸/۱ درصد هزینه و در بین کل افراد جامعه روستایی شهرستان ابهر ۴۰/۴۱ درصد هزینه را دارا بوده‌اند.

نتایج بررسی سهم ۴۰ درصد فقیرترین خانوارها نشان می‌دهد که این گروه، در بین کشاورزان ۸/۵ درصد هزینه، در بین غیر کشاورزان ۶/۲ درصد هزینه و در بین کل افراد جامعه روستایی شهرستان ابهر ۶/۶ درصد هزینه را به خود اختصاص داده بودند.

همچنین سهم ۴۰ درصد خانوارهای متوسط نیز نشان می‌دهد که گروه مذکور، در بین کشاورزان ۳۳/۵ درصد هزینه، در بین غیر کشاورزان ۳۵/۸ درصد هزینه و در بین کل جامعه روستایی مورد مطالعه ۳۲/۹ درصد هزینه را دارا بوده‌اند.

محاسبه نسبت سهم هزینه‌ی گروه‌های پر درآمد به کم درآمد نیز بررسی شد و نشان می‌دهد که نسبت سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارهای کشاورز به سهم ۴۰ درصد کم درآمدترین این خانوارها برابر با ۶/۸ بوده، این نسبت برای خانوارهای غیر کشاورز ۹/۴ و برای کل جامعه روستایی شهرستان ابهر برابر ۹/۱ می‌باشد.

نسبت سهم ۱۰ درصد پردرآمدترین خانوارهای کشاورز به سهم ۱۰ درصد کم درآمدترین این خانوارها، ۲۷/۹ بوده، این نسبت برای خانوارهای غیر کشاورز ۷۴/۴ و برای کل جامعه روستایی شهرستان ابهر برابر ۷۷/۳ می‌باشد.

#### سهم هزینه ناخالص دهک‌های مختلف

برای تعیین دهک‌ها و پنجک‌های درآمدی، نخست کل افراد جامعه از نظر سطح درآمد از کوچک به بزرگ مرتب می‌شوند، سپس این افراد به ده گروه (دهک) یا پنج گروه (پنجک) تقسیم می‌شوند و جمع درآمد هر طبقه محاسبه می‌گردد، هر چقدر دهک‌ها و یا پنجک‌های با درآمد کم، با دهک‌ها و یا پنجک‌های با درآمد زیاد اختلاف بیشتری داشته باشد، نابرابری درآمدی بیشتر است و بالعکس هر چه اختلاف کمتر باشد، توزیع درآمد متعادل‌تر است (Todeh Rousta & Mirmohammad Sadeghi, 2003). از معیار دهک‌ها و پنجک‌ها به طور مستقل و یا به عنوان معیار تکمیلی در کنار منحنی لورنز و ضریب جینی استفاده می‌شود.

بدین ترتیب، نتایج بررسی سهم دهک‌های مختلف از هزینه‌ها در بین روستاییان شهرستان ابهر نشان می‌دهد که ثروتمندترین دهک، ۴۰/۲ درصد از هزینه‌ی کل را داشته و فقیرترین دهک تنها ۰/۴ درصد هزینه کل را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۳ دهک بالای جامعه ۷۳/۴ درصد از هزینه‌ی کل را دارا بوده و ۷ دهک دیگر تنها ۳۰ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. از سوی دیگر، سهم سه دهک فقیر نشان می‌دهد که این دهک‌ها تنها ۳/۵ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده که این مقدار در مقابل سهم سه دهک بالای جامعه بسیار ناچیز است.

#### سهم هزینه پنجک‌های مختلف

جدول ۸ سهم هر یک از پنجک‌ها را از کل هزینه خانوارهای شهرستان ابهر نشان می‌دهد. نتایج بررسی سهم پنجک‌های مختلف از هزینه‌ی خانوارها در مناطق روستایی مورد مطالعه نشان می‌دهد که ثروتمندترین پنجک، ۶۰/۴ درصد هزینه‌ها و فقیرترین پنجک، تنها ۱/۵ درصد را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ۲ پنجک ثروتمند، ۸۲/۲ درصد هزینه‌ها را داشته و در مقابل دو پنجک فقیر، تنها ۶/۶ درصد هزینه‌ها

را به خود اختصاص داده‌اند.

**جدول ۷- سهم هزینه ناخالص دهک‌های مناطق روستایی شهرستان ابهر**

**Table 7- Share of gross expenditure deciles of the rural areas of Abhar county**

دهک ها Decile	سهم (درصد) Share (percent)
اولین دهک The first decile	40.2
دومین دهک Second decile	20.2
سومین دهک Third decile	13
چهارمین دهک Fourth decile	8.8
پنجمین دهک Fifth decile	6.7
ششمین دهک Sixth decile	4.5
هفتمین دهک Seventh decile	3.1
هشتمین دهک Eighth decile	2
نهمین دهک Ninth decile	1.1
دهمین دهک Tenth decile	0.4

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

**جدول ۸- سهم پنجک‌های مختلف بین مناطق روستایی شهرستان ابهر**

**Table 8- Share costs the different quintiles among rural areas of Abhar county**

پنجک ها Quintile	سهم ( درصد) Share (percent)
اولین پنجک The first quintile	60.4
دومین پنجک second quintile	21.8
سومین پنجک Third quintile	11.2
چهارمین پنجک Fourth quintile	5.1
پنجمین پنجک Fifth quintile	1.5

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سهم هزینه پنجک‌های مختلف در بین گروه‌های شغلی

جدول ۹ سهم هر یک از پنجک‌ها را از کل هزینه‌ی خانوارهای کشاورز و غیرکشاورز شهرستان ابهر نشان می‌دهد. همان طور که در این جدول قابل مشاهده است، ۲۰ درصد از غنی‌ترین افراد شاغل در بخش کشاورزی

(پنجک اول) ۵۷/۹ هزینه‌ها را دارا بوده و در مقابل ۲۰ درصد فقیرترین این گروه (پنجک پنجم) تنها ۳/۲ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد افراد غیر کشاورز، افراد واقع در پنجک اول (ثروتمندترین افراد) ۵۸/۱ درصد هزینه‌ی کل و افراد واقع در پنجک پنجم (فقیرترین افراد) ۱/۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد کل جامعه روستایی شهرستان ابهر (کشاورزان و غیرکشاورزان) این نسبت‌ها به ترتیب برابر با ۶۰/۴ و ۱/۵ درصد بوده است.

#### جدول ۹- سهم هزینه پنجک‌های مختلف در بین روستاییان شهرستان ابهر در بین گروه‌های شغلی

Table 9- The share of the cost of various quintiles between the villagers of Abhar county among occupational groups

پنجک quintile	کشاورزی Agriculture	غیر کشاورزی Nonfarm	تمامی روستاییان The whole villagers
اولین پنجک The first quintile	57.9	58.1	60.4
دومین پنجک second quintile	25.6	23.5	21.8
سومین پنجک Third quintile	8	12.3	11.2
چهارمین پنجک Fourth quintile	5.3	4.8	5.1
پنجمین پنجک Fifth quintile	3.2	1.3	1.5

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

#### فرضیه سوم

بین ویژگی‌های روستاییان شهرستان ابهر (سن، جنس، سطح تحصیلات و نوع شغل سرپرست خانوارها) با هزینه ناخالص سالانه رابطه معنادار آماری وجود دارد.

به منظور بررسی ارتباط بین سن سرپرست خانوارهای مورد مطالعه و هزینه ناخالص سالانه آنها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، یافته‌های تحقیق نشان داد که بین سن افراد مورد مطالعه با هزینه خانوار آنها رابطه آماری معنی‌دار منفی در سطح ۵ درصد خطا وجود داشته است.

#### جدول ۱۰- ارتباط بین سن خانوارها با هزینه ناخالص سالانه توسط آزمون پیرسون

Table 10- The relationship between age households with annual gross cost using Pearson test

متغیر وابسته The dependent variable	متغیر مستقل The independent variable	همبستگی Correlation	sig
هزینه ناخالص سالانه The annual gross cost	سن age	-0.221*	0.046

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین تفاوت مقایسه بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای با سرپرست زن و مرد با استفاده از آزمون t مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در جدول ۱۱ آمده است و نشان می‌دهد که بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود داشته و این متغیر وابسته به جنسیت آنها بوده است با توجه به میانگین هزینه خانوارها می‌توان گفت که خانوارهایی که سرپرست آنها مرد بوده‌اند وضعیت مناسب‌تری داشته‌اند.

جدول ۱۱- مقایسه هزینه ناخالص سالانه زنان و مردان خانوارها

Table 11- Compare the cost of annual gross male and female-headed households

متغیر Variable	گروه ها Groups	میانگین Mean	T	sig
جنسیت sex	مرد man	67967431.6	6.253	0.000
	زن woman	6602668.2		

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

از سوی دیگر، به منظور بررسی ارتباط بین سطح تحصیلات خانوار افراد با هزینه ناخالص سالانه خانوار آنها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد، نتایج این ضریب همبستگی نشان می‌دهد که بین این دو متغیر ارتباط معنی‌داری وجود داشته است و ارتباط آنها از نظر آماری در سطح ۱ درصد خطا معنی‌دار بوده است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲- ارتباط بین سطح تحصیلات در خانوارها با هزینه ناخالص سالانه توسط آزمون اسپیرمن

Table 12- The relationship between the level of education in households with annual gross cost using Spearman test

متغیر ۱ Variable 1	متغیر ۲ Variable 2	همبستگی Correlation	sig
هزینه ناخالص سالانه The annual gross cost	سطح تحصیلات Education Level	0.467**	0.000

Source: Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در نهایت، به منظور بررسی اختلاف بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای با وضعیت شغلی مختلف از آزمون F استفاده شد، نتایج این آزمون نشان می‌دهد که بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای با وضعیت شغلی مختلف، تفاوت معنی‌داری در سطح ۵ درصد خطا وجود نداشته و می‌توان گفت که هزینه خانوارها، از وضعیت شغلی آنها مستقل بوده است.

### نتیجه‌گیری

وجود نابرابری گسترده در توزیع درآمد در سطح جهانی منجر به بروز فقر و افزایش دامنه آن شده است؛ چرا که با فرض هر سطحی از رشد اقتصادی، نابرابری بالا در توزیع درآمد باعث ایجاد شکاف بیشتر و گسترش فقر می‌شود. این عامل می‌تواند به آن دلیل باشد که سهم اندکی از منابع به دست آمده به اقشار محروم و طبقات پایین درآمدی می‌رسد؛ به علاوه سطوح بالای نابرابری در توزیع درآمد، توالی رشد اقتصادی و به تبع آن، فرآیند کاهش نابرابری توزیع درآمد را کند می‌کند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، میانگین هزینه سالانه خانوارهای کشاورز ۸۰۹۷۲۸۱۹ ریال و میانگین هزینه سالانه خانوارهای غیر کشاورز ۶۰۷۷۴۱۴۷ ریال بوده است.

## جدول ۱۳- مقایسه میانگین هزینه ناخالص سالانه خانوارها با وضعیت شغلی مختلف

Table 13- The average comparison of annual gross household's cost with different job status

متغیر مستقل The independent variable	سطح متغیرها Variable level	میانگین mean	F	sig
موقعیت شغلی Job status	شاغل Employeed	69980142	1.110	0.358
	غیر شاغل Unemployed (looking for work)	8905020		
	دارای درآمد در صورت عدم اشتغال having income while not recruited	30783537		
	خانه‌دار housewife	9321014		
	سایر Other	60210836		

Source : Research findings

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین نتایج بررسی ضریب جینی دو گروه شغلی حاکی از این است که ضریب جینی افراد شاغل در بخش کشاورزی برابر با ۰/۵۵ و در مقابل ضریب جینی شاغلین غیر کشاورزی ۰/۵۶ بوده است، از مقایسه ی ضریب جینی شاغلین دو بخش می‌توان گفت که وضعیت شاغلین بخش کشاورزی در مقابل دیگر افراد مناسب‌تر است هر چند که این امر گویای نابرابری شدید بین دو گروه شغلی نیست و می‌توان گفت که توزیع درآمد در دو گروه تفاوت چندانی با هم نداشته‌اند و از توزیع نسبتاً یکسانی برخوردار بوده‌اند. از سوی دیگر، نسبت سهم ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارهای کشاورز به سهم ۴۰ درصد فقیرترین خانوارهای این گروه، برابر با ۶/۸ بوده که این نشان می‌دهد خانوارهای کشاورز غنی حدود ۷ برابر خانوارهای کشاورز فقیر درآمد داشته‌اند. همچنین این نسبت برای خانوارهای غیر کشاورز ۹/۴ بوده که نشان می‌دهد وضعیت توزیع درآمد در بین خانوارهای غیر کشاورز بدتر بوده به طوری که غیر کشاورزان غنی بیش از ۹ برابر خانوارهای غیر کشاورز ضعیف درآمد داشته‌اند. همچنین نسبت سهم ۱۰ درصد پردرآمدترین خانوارهای کشاورز به سهم ۱۰ درصد فقیرترین این خانوارها، ۲۷/۹ بوده، این نسبت برای خانوارهای غیر کشاورز ۷۴/۴ است این نشان از توزیع فوق‌العاده نامناسب بین دو دهک فقیر و غنی دارد به طوری که غنی‌ترین کشاورزان حدود ۲۸ برابر بیشتر از ضعیف‌ترین کشاورزان صاحب درآمد بوده‌اند و این نسبت در بین افراد غیر کشاورز بسیار چشمگیرتر است، به طوری که غنی‌ترین خانوارهای این گروه بیش از ۷۴ برابر ضعیف‌ترین خانوارهای این گروه درآمد داشته‌اند. در این راستا، ۳ دهک بالای جامعه، ۷۳/۴ درصد از هزینه کل را دارا بوده و ۷ دهک دیگر تنها ۳۰ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، همچنین سهم سه دهک فقیر نشان می‌دهد که این دهک‌ها تنها ۳/۵ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده که این مقدار در مقابل سهم سه دهک بالای جامعه بسیار ناچیز است.

از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق مؤید این است که خانوارهای با سرپرست مسن‌تر هزینه کمتری دارند به بیان دیگر از سطح درآمد کمتری برخوردار بوده‌اند و با افزایش سن سرپرست خانوارها، درآمد آنها کاهش یافته است. همچنین با توجه به میانگین هزینه خانوارها می‌توان گفت، خانوارهایی که سرپرست آنها مرد بوده است



بیشترین هزینه را داشته‌اند. یعنی خانوارهای با سرپرست مرد از سطح درآمدی بیشتری برخوردار بوده‌اند. نتایج بررسی ارتباط بین سطح تحصیلات خانوار افراد با هزینه ناخالص سالانه خانوار آنها حاکی از این است که خانوارهایی که سرپرست آنها سطح تحصیلات بالاتری دارد هزینه سالانه‌ی بالاتری نیز داشته‌اند، این نتایج حکایت از درآمد بالای خانوارهای با سرپرست با سطح تحصیلات بالاتر دارد. از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین هزینه ناخالص سالانه خانوارهای با وضعیت شغلی مختلف تفاوت معنی‌داری وجود نداشته و بر این اساس، هزینه خانوارهای روستایی شهرستان ابهر از وضعیت شغلی آنها مستقل بوده است.

## References

- Abounori, E. and Abbasi Ghaderi, R.** (2007), Estimate effect of economic growth on poverty in Iran. *Iranian Economic Research*, 9 (30), 23-53
- Ahmadi, A. M.** (2003), The effects of economic adjustment policies on income distribution (Case Study: Iran's economy). (Doctoral thesis of Economic Sciences). Tarbiat Modarres University, Iran.
- Barati, A. A.** (2006), Investigate the situation the income distribution among rural households Quchan County. *Science and Technology of Agriculture and Natural Resources*, 10(2).
- Canagarajah, S. Newman, C. and Bhattamishra, R.** (2001), Non-farm income, gender and inequality: evidence from rural Ghana and Uganda. *Food Policy*, 26, 405-420.
- Deputy of strategic planning and monitoring of president.** (2008), Income distribution in rural and urban households in the country. Statistical Center of Iran, Bureau of Labor Statistics and Census of Population, Iran.
- Galli, R., and Hoeven, R.** (2001), Is inflation bad for income inequality: The Importance of the Initial Rate of Inflation, Employment Paper, ILO.
- Gharebaghian, M.** (1996), Economic growth and development, Tehran: Ney Publication.
- Jahangard, E. and Mahboub, H.** (2000), Evaluation of the effect of income redistribution on macroeconomic variables Iran, *Journal of economic policies*, 15.
- Johansen, F.** (1993). Poverty reduction in East Asia. World Bank Dissuasion Paper.
- Kakwani, N. and Pernia, E.** (2000), What is pro-poor growth? *Asian Development Review*, 18, 1-16.
- Kuznets, S.** (1955), Economic growth and income inequality. *American Economic Review*, 45, 1-28.
- Mahdavi Adeli, M. M. and Ranjbaraki, A.** (2005), To evaluate the long-term relationship between economic growth and income distribution in Iran. *Economic Research Letter*, 18.
- Möllers, J. and Buchenrieder, G.** (2011), Effects of rural non-farm employment household welfare and income distribution of small farms in Croatia. *Quarterly Journal of International Agriculture*, 50 (3), 217-235.
- Ndambiri, H. K. Okello, J. J. Ng'ang'a, S. I. Ritho, C. Minyacha, S. O. Omboto, P. I. and Kubowon, P. C.** (2012), Income distribution and livelihood analysis among horticulture farming households in Nyeri district, Kenya. *International Journal of Business and Social Science*, 3(19), 61-69.
- Olaniyan, O., and Awoyemi, T.** (2005). Inequality in the distribution of household expenditure in rural Nigeria. A Decomposition Analysis "Southern African Regional Poverty Network". <http://www.sapn.org/documents/dooo2271/index.php>.
- Reardon, T. Berdegue, J. Barrett, C. B. and Stamoulis, K.** (2007), Household income diversification into rural nonfarm activities. In: Haggblade, S., P.B.R. Hazell and T. Reardon (eds.): *Transforming the rural nonfarm economy. Opportunities and threats in the developing world*: 55-79. Johns Hopkins University Press, Baltimore, ML, USA.
- Sahota, G. S.** (1978), Theories of personal income distribution: A survey. *Journal of*

- Economic Literature, 16(1), 1-55.
- Schwarze, S. and Zeller, M.** (2005), Income diversification of rural households in Central Sulawesi, Indonesia. *Quarterly Journal of International Agriculture*, 44(1), 61-73.
- Toude Rosta, M. and Mirmohamad Sadeghi, J.** (2003), Evaluation of farmers' income of Savojbolagh County and factors affecting it. *Science and Technology of Agriculture and Natural Resources*, 7(2).
- Vatta, K. Garg, B. R. and Sidhu, M. S.** (2008), Rural employment and income: The Inter-household Variations in Punjab. *Agricultural Economics Research Review*, 21, 201-210.
- World Bank.** (2007). *Making transition work for everyone: Poverty and Inequality in Europe and Central Asia*. World Bank, Washington, D.C.